

### رفتن زال به نزد رودابه

در حجره بستند و گم شد کلید  
که شد ساخته کار، بگذار گام  
چنان چون بود مردم جفت جوی  
چو سرو سهی بر سرش ماه تام  
پدید آمد، آن دختر نامدار  
که شاد آمدی ای جوانمرد شاد  
خم چرخ گردان زمین تو باد!  
برنجیدت این خسروانی دو پای  
نگه کرد و خورشید رخ را بدید  
به جای گل سرخ یاقوت خاک  
درودت ز من آفرین از سپهر  
خروشان بدم پیش یزدان پاک  
نماید مرا رویت اندر نهان  
بدین خوب گفتار باناز تو  
چه پرسی تو بر باره و من به کوی؟  
ز سر شعر گلنار بگشاد زود  
کس از مشگ زان سان نپیچد کمند  
بر آن غبغبش نار بر نار بر  
بر شیر بگشای و چنگ کیان  
ز بهر تو باید همی گیسوم  
شگفتی بماند اندر آن روی و موی  
چنین روز، خورشید روشن مباد!

چو خورشید تابنده شد ناپدید  
پرستنده شد سوی دستان سام  
سپهبد سوی کاخ بنهاد روی  
برآمد سیه چشم گلرخ به بام  
چو از دور دستان سام سوار  
دو بیجاده بگشاد و آواز داد  
درو جهان آفرین بر تو باد!  
پیاده بدین سان ز پرده سرای  
سپهبد کز آن گونه آوا شنید  
شده بام از آن گوهر تابناک  
چنین داد پاسخ که ای ماه چهر  
چه مایه شبان دیده اندر سماک  
همی خواستم تا خدای جهان  
کنون شاد گشتم به آواز تو  
یکی چاره راه دیدار جوی  
پری روی گفت سپهبد شنود  
کمندی گشاد او ز سرو بلند  
خم اندر خم و مار بر مار بر  
بدو گفت برتاز و برکش میان  
بگیر این سیه گیسو از یک سوم  
نگه کرد زال اندر آن ماه روی  
چنین داد پاسخ که این نیست داد

که من دست را خیره بر جان زخم  
کمند از رهی بستد و داد خم  
به حلقه درآمد سر کنگره  
چو بر بام آن باره بنشست باز  
گرفت آن زمان دست دستان به دست  
فرود آمد از بام کاخ بلند  
سوی خانه ی زرنگار آمدند  
بهشتی بد آراسته پر ز نور  
شگفت اندرو مانده بد زال زر  
ابایاره و طوق و با گوشوار  
دو رخساره چون لاله اندر سمن  
همان زال با فر شاهنشاهی  
حمایل یکی دشنه اندر برش  
همی بود بوس و کنار و نبید  
سپهبد چنین گفت با ماه روی  
منوچهر اگر بشنود داستان  
همان سام نیرم برآرد خروش  
ولیکن نه پر مایه جانست و تن  
پذیرفتم از دادگر داورم  
شوم پیش یزدان ستایش کنم  
مگر کو دل سام و شاه زمین  
جهان آفرین بشنود گفت من  
بدو گفت رودابه من همچنین  
که بر من نباشد کسی پادشا

برین خسته دل تیزپیکان زخم  
بیفگند خوار و نزد ایچ دم  
بر آمد ز بن تابه سر یکسره  
برآمد پری روی و بردش نماز  
برفتند هر دو به کردار مست  
به دست اندرون دست شاخ بلند  
بر آن مجلس شاهوار آمدند  
پرستنده برپای و بر پیش حور  
بر آن روی و آن موی و بال و فر  
ز دینار و گوهر چو باغ بهار  
سر جعد زلفش شکن بر شکن  
نشسته بر ماه با فرهی  
ز یاقوت سرخ افسری بر سرش  
مگر شیر کو گور را نشکرید  
که ای سرو سیمین بر و رنگ و بوی  
نباشد برین کار همداستان  
ازین کار بر من شود او به جوش  
همان خوار گیرم بیوشم کفن  
که هرگز ز پیمان تو نگذرم  
چو ایزد پرستان نیایش کنم  
بشوید ز خشم و ز پیکار و کین  
مگر کاشکارا شوی جفت من  
پذیرفتم از داور کیش و دین  
جهان آفرین بر زبانم گوا

جز از پهلوان جهان زال زر  
همی مهرشان هر زمان بیش بود  
چنین تا سپیده برآمد ز جای  
پس آن ماه را شید پدرود کرد  
ز بالا کمند اندر افگند زال

آشکار شدن: از پرده بر آمدن، علنی شدن

افسر: تاج

ایچ: هیچ

باره: دیوار، حصار قلعه

بیجاده: یاقوت

پدرود: وداع، بدرود

پرده سرای: سراپرده، بارگاه پادشاهان

پرستنده: پرستار، کنیز

تام: تمام، کامل، درست

تبیره: دهل، کوس، طبل و نقاره

جعد: موی، گیسو، موی پیچیده

جفت جوی: جویند جفت و همسر

جوش: آشفتگی، بی قراری

حمایل: آویزه شمشیر

خم اندر خم: مجعد

خوار: آسان، راحت

خوار گرفتن: بی اعتبار گرفتن، ناچیز شمردن

خیره: بیهوده، بی دلیل

در حجره بستند: کنایه از تاریک شدن کامل شب است

دستان: لقب زال

دو بیجاده بگشاد: دو لب را از هم گشود

رنگ و بوی: فرّ و زیبایی

رهی: بنده، خدمتگار

که با تخت و تاجست و با زیب و فر  
خرد دور بود آرزو پیش بود  
تبیره برآمد ز پرده سرای  
بر خویش تار و برش پود کرد  
فرود آمد از کاخ فرخ همال

زیب و فر: آرایش و شکوه

سام نیرم: سام نریمان، جد رستم

سرو سهی: سرو بلندبالا

سماک: نام ستاره ای است، در اینجا بمعنی

آسمان است

سمن: گلی سفید رنگ و خوشبو

شاخ بلند: مراد قامت زال است

شید: خورشید

شعر: جامه ابریشمی ظریف

شکردن و شکریدن: شکار کردن و شکستن

طوق: گردن بند

فر (فرّه): فروغ ایزدی، بزرگی و هوش،

شکوه و زیبایی

فرخ همال: آنکه زن نیک دارد، کسی که همدم

و دوست خوب دارد

کنگره: دندانهای بالای دیوار قصر و

حصار قلعه

گوا: گواه، شاهد

گور: خر دشتی، خر گور، گورخر

نبید: شرابی که از خرما یا مویز یا عسل سازند

نماز بردن: تعظیم کردن

همداستان: موافق

یاره: دستبند

## مأخذ

۱. شاهنامه فردوسی (از روی نسخه مسکو)، نشر محمد، تهران، ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۸  
شابک (ISBN): ۹۶۴-۵۵۶۶-۳۵-۵
۲. شاهنامه (جلد اول) از دستنویس موزه فلورانس، دکتر عزیزالله جوینی، انتشارت دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲  
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۳-۴۷۱۴-۰
۳. شاهنامه (جلد دوم) از دستنویس موزه فلورانس، دکتر عزیزالله جوینی، انتشارت دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵  
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۳-۵۳۱۶-۷
۴. لغت نامه دهخدا (CD)، موسسه انتشارت و چاپ دانشگاه تهران  
شابک (ISBN): ۰۹۵-۴۳-۶۰۱۰-۹
۵. فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارت امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۸۱  
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۰-۰۱۳۱-۷
۶. فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، داریوش شامبیاتی، نشر آران، چاپ اول، ۱۳۷۵
۶. شاهنامه فردوسی (CD)، نشر کانون انفورماتیک، تهران، ایران،  
<http://www.kanoon.net>
۸. <http://www.farhangiran.com>
۹. <http://shahnameh.com>